

تبیین الگوی معنابخشی زوجها به روابط فرازناشویی در بستر شبکه‌های اجتماعی

مشخصات نویسندگان:



تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.
 انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

۱. الهه زمانی: گروه مشاوره خانواده، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۲. کیوان موسوی‌اصل*: گروه روان‌شناسی عمومی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
۳. سحر کریمی: گروه روان‌شناسی عمومی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

*پست الکترونیکی نویسنده مسئول: k.mousaviasl@gmail.com

شبهه استناددهی: زمانی، الهه، موسوی‌اصل، کیوان، و کریمی، سحر. (۱۴۰۴). تبیین الگوی معنابخشی زوجها به روابط فرازناشویی در بستر شبکه‌های اجتماعی. *سنجش، ارزیابی و مداخلات زوج‌درمانی*، ۲(۵)، ۱-۱۲.

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین الگوی معنابخشی زوجها به روابط فرازناشویی شکل گرفته یا ادراک شده در بستر شبکه‌های اجتماعی بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. جامعه پژوهش شامل زوج‌های ساکن شهر تهران بود که تجربه مواجهه مستقیم یا غیرمستقیم با روابط فرازناشویی در شبکه‌های اجتماعی را در زندگی زناشویی خود گزارش می‌کردند. مشارکت‌کنندگان به روش نمونه‌گیری هدفمند و با رعایت معیارهای ورود انتخاب شدند و فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در نهایت، ۲۴ نفر شامل ۱۲ زن و ۱۲ مرد از ۱۲ زوج در پژوهش شرکت کردند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق گردآوری شد. هر مصاحبه بین ۵۰ تا ۸۵ دقیقه طول کشید، ضبط شد، به صورت کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی گردید و با استفاده از نرم‌افزار NVivo تحلیل شد. برای افزایش اعتبار داده‌ها از بازبینی مشارکت‌کنندگان، کدگذاری مجدد، توافق میان کدگذاران، یادداشت‌برداری تحلیلی و توصیف غنی زمینه استفاده شد. تحلیل داده‌ها به استخراج پنج مقوله اصلی انجامید: سیال شدن مرزهای خیانت در فضای مجازی، جست‌وجوی دیده‌شدن و جبران خلأ عاطفی، عادی‌سازی تدریجی و دوباره‌سازی اخلاقی، پنهان‌کاری دیجیتال و بحران اعتماد، و بازمعنابخشی تعهد زناشویی پس از مواجهه با رابطه فرازناشویی آنلاین. یافته‌ها نشان داد که روابط فرازناشویی در شبکه‌های اجتماعی غالباً نه به صورت رخدادی ناگهانی، بلکه در قالب فرایندی تدریجی، مبهم، هیجانی و تفسیری تجربه می‌شوند؛ فرایندی که در آن زوجها میان «شوخی»، «ارتباط ساده»، «همدلی عاطفی»، «خیانت هیجانی» و «تهدید زناشویی» در نوسان قرار می‌گیرند. روابط فرازناشویی در بستر شبکه‌های اجتماعی بیش از آنکه صرفاً رفتاری جنسی یا ارتباطی تلقی شود، پدیده‌ای معنایی، مرزی و رابطه‌ای است که فهم آن مستلزم توجه هم‌زمان به خلأهای عاطفی، هنجارهای زوجی، پنهان‌کاری دیجیتال، ساختار اعتماد و بازتعریف تعهد در زندگی زناشویی معاصر است.

واژگان کلیدی: روابط فرازناشویی، شبکه‌های اجتماعی، خیانت آنلاین، زوجها، معنابخشی، تحلیل مضمون، تعهد زناشویی.

Explaining Couples' Meaning-Making Patterns of Extramarital Relationships in the Context of Social Media



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) License.

Authors' Information:

1. Elaheh Zamani: Department of Family Counseling, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
2. Keyvan Mousavi-Asl*: Department of General Psychology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
3. Sahar Karimi: Department of General Psychology, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran

Corresponding author's email: k.mousaviasl@gmail.com

How to cite: Zamani, E., Mousavi-Asl, K., & Karimi, S. (2025). Explaining Couples' Meaning-Making Patterns of Extramarital Relationships in the Context of Social Media. *Couple Therapy Assessment, Evaluation, and Intervention*, 2(5), 1-12.

Abstract

This study aimed to explain couples' meaning-making patterns of extramarital relationships formed or perceived within social media contexts. This qualitative study was conducted using thematic analysis. The research population consisted of married couples living in Tehran who had directly or indirectly experienced social media-related extramarital relationships in their marital life. Participants were selected through purposive sampling based on predefined inclusion criteria, and recruitment continued until theoretical saturation was achieved. The final sample included 24 participants, comprising 12 women and 12 men from 12 couples. Data were collected through in-depth semi-structured interviews. Each interview lasted between 50 and 85 minutes, was audio-recorded with participants' consent, transcribed verbatim, and analyzed using NVivo software. To enhance trustworthiness, member checking, recoding, inter-coder agreement, analytic memoing, and thick description were employed. Data analysis led to the identification of five main categories: the fluidity of infidelity boundaries in digital spaces, the search for being seen and compensating for emotional deprivation, gradual normalization and moral compartmentalization, digital secrecy and crisis of trust, and the re-meaning of marital commitment after encountering online extramarital involvement. The findings indicated that social media-related extramarital relationships are often experienced not as sudden events but as gradual, ambiguous, emotional, and interpretive processes in which couples oscillate between meanings such as harmless joking, ordinary communication, emotional intimacy, emotional betrayal, and marital threat. Extramarital relationships in social media contexts should be understood not merely as sexual or communicative behaviors but as meaning-based, boundary-related, and relational phenomena. Understanding this issue requires simultaneous attention to emotional deprivation, couple-specific norms, digital secrecy, trust structures, and the redefinition of commitment in contemporary marital life.

Keywords: *Extramarital relationships; Social media; Online infidelity; Couples; Meaning-making; Thematic analysis; Marital commitment.*

تحولات ارتباطی ناشی از گسترش شبکه‌های اجتماعی، مرزهای سنتی صمیمیت، تعهد، وفاداری و خیانت را در روابط زناشویی معاصر با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است. در گذشته، رابطه فرازناشویی غالباً با تماس حضوری، رابطه جنسی، ملاقات پنهانی یا شکل مشخصی از نقض تعهد زناشویی تعریف می‌شد؛ اما در بستر شبکه‌های اجتماعی، بسیاری از کنش‌ها از جمله گفت‌وگوی خصوصی، ارسال پیام‌های عاطفی، لایک‌های مکرر، دنبال کردن حساب‌های خاص، تبادل عکس، بازگویی درد دل‌های زناشویی برای فردی بیرون از رابطه، یا شکل‌گیری رابطه هیجانی با یک مخاطب مجازی می‌توانند به قلمرو مبهم خیانت وارد شوند. همین ابهام سبب شده است که زوج‌ها نه فقط با خود رفتار، بلکه با معنای آن درگیر شوند. پرسش اصلی بسیاری از زوج‌ها این نیست که «چه اتفاقی افتاده است؟»، بلکه این است که «این اتفاق چه معنایی برای رابطه ما دارد؟» آیا گفت‌وگوی صمیمی در پیام‌رسان خیانت است؟ آیا پنهان کردن رمز تلفن همراه نشانه بی‌وفایی است؟ آیا رابطه‌ای که هیچ تماس جسمانی در آن رخ نداده، می‌تواند به اندازه رابطه حضوری آسیب‌زا باشد؟ این پرسش‌ها نشان می‌دهد که خیانت در عصر شبکه‌های اجتماعی بیش از پیش به پدیده‌ای تفسیری، رابطه‌ای و معنایی تبدیل شده است.

ادبیات پژوهشی نشان داده است که خیانت اینترنتی و آنلاین، مفهومی چندبعدی است و می‌تواند رفتارهایی از قبیل گفت‌وگوهای جنسی، رابطه عاطفی آنلاین، مصرف محتوای جنسی، لاس‌زدن مجازی، ارسال پیام‌های خصوصی و ارتباط پنهانی با دیگران را دربرگیرد (Hertlein, 2003; Whitty, 2003; Piercy, 2006). Whitty (2003) در مطالعه کلاسیک خود نشان داد که افراد میان اشکال مختلف خیانت آنلاین تمایز قائل می‌شوند و مؤلفه‌های جنسی، عاطفی و مرتبط با محتوای جنسی را به‌گونه‌ای متفاوت ارزیابی می‌کنند. این یافته اهمیت زیادی دارد، زیرا نشان می‌دهد که خیانت آنلاین تنها با معیار تماس جسمانی قابل فهم نیست، بلکه باید به درک ذهنی افراد از نقض مرزهای صمیمیت و تعهد نیز توجه کرد (Hertlein, 2006). Piercy (2006) نیز با مرور انتقادی ادبیات خیانت اینترنتی تأکید کردند که اینترنت با ایجاد دسترسی آسان، ناشناسی نسبی، سرعت ارتباط و کاهش بازدارندگی، امکان شکل‌گیری روابط خارج از چارچوب زناشویی را تسهیل می‌کند و همین ویژگی‌ها مرز میان ارتباط معمولی و ارتباط خیانت‌آمیز را مبهم‌تر می‌سازد.

شبکه‌های اجتماعی نسبت به نسل‌های اولیه فضای مجازی، ویژگی‌های پیچیده‌تری دارند؛ زیرا هم ارتباطات قدیمی را احیا می‌کنند، هم امکان ایجاد روابط جدید را فراهم می‌سازند، هم نمایش عمومی و خصوصی زندگی فرد را درهم می‌آمیزند و هم به افراد اجازه می‌دهند هویت‌های مختلفی از خود بازنمایی کنند. در چنین فضایی، رابطه فرازناشویی ممکن است از یک گفت‌وگوی ساده، واکنش به یک استوری، پیام تبریک، یا همدلی در یک وضعیت عاطفی آغاز شود و به تدریج به رابطه‌ای صمیمی، پنهانی و هیجان‌برانگیز تبدیل گردد (Cravens, 2014). Whiting (2014) در بررسی پیامدهای بالینی خیانت اینترنتی در زمینه فیس‌بوک نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی به سبب ویژگی‌هایی مانند قابلیت دسترسی، امکان پنهان‌کاری، بازگشت به روابط گذشته و برداشت‌های متفاوت زوجین از رفتار آنلاین، در درمان زوج‌ها به مسئله‌ای جدی تبدیل شده‌اند (McDaniel, 2017). و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان دادند که رفتارهای مرتبط با خیانت در شبکه‌های اجتماعی با رضایت زناشویی، دوسوگرایی

رابطه‌ای و ویژگی‌های دلبستگی ارتباط دارد. بنابراین، مسئله صرفاً استفاده از فناوری نیست، بلکه چگونگی ادغام فناوری در ساختار اعتماد، تعهد و امنیت هیجانی رابطه است.

یکی از مهم‌ترین ابعاد این پدیده، سیال شدن مرزهای خیانت است. در روابط زناشویی سنتی، مرزها غالباً به صورت آشکارتر و مبتنی بر رفتارهای قابل مشاهده‌تر تعریف می‌شدند؛ اما در شبکه‌های اجتماعی، رفتارها دارای لایه‌های معنایی متعددی هستند. برای مثال، یک پیام ممکن است از نظر فرستنده «شوخی»، از نظر گیرنده «صمیمیت»، و از نظر همسر «خیانت» تلقی شود. همین چندمعنایی بودن، زمینه سوء تفاهم، انکار، توجیه و تعارض را فراهم می‌کند (Hertlein و Stevenson (2010) با طرح عوامل تسهیل‌کننده مشکلات صمیمیت اینترنتی نشان دادند که دسترسی، ناشناسی، مقرون به صرفه بودن، تقریب و پذیرش اجتماعی می‌تواند احتمال شکل‌گیری روابط مشکل‌زا در فضای آنلاین را افزایش دهند. شبکه‌های اجتماعی افزون بر این عوامل، عنصر «قابل مشاهده بودن گزینشی» را نیز وارد رابطه می‌کنند؛ یعنی فرد می‌تواند بخشی از ارتباطات خود را علنی، بخشی را پنهان و بخشی را به گونه‌ای مبهم نمایش دهد. این وضعیت موجب می‌شود همسران در تفسیر رفتارهای یکدیگر با عدم قطعیت مزمن مواجه شوند.

از منظر روان‌شناسی زوج، روابط فرازنشویی آنلاین را نمی‌توان جدا از نیازهای هیجانی، کیفیت رابطه، تجربه دیده شدن، تعارض‌های حل‌نشده و الگوهای دلبستگی تحلیل کرد. پژوهش‌های مربوط به خیانت نشان داده‌اند که عوامل فردی، بین فردی و زمینه‌ای در شکل‌گیری و پیامدهای خیانت نقش دارند (Allen et al., 2005; Mark et al., 2011). در بسیاری از موارد، رابطه فرازنشویی نه فقط محصول میل جنسی، بلکه پاسخی ناسازگارانه به تجربه طرد، تنهایی، نادیده‌انگاری، کاهش صمیمیت، فقدان گفت‌وگوی مؤثر یا احساس بی‌ارزشی در رابطه اصلی است. در فضای شبکه‌های اجتماعی، این نیازها می‌توانند سریع‌تر و آسان‌تر با پاسخ بیرونی مواجه شوند؛ زیرا فرد بدون خروج فیزیکی از خانه، بدون آشکار شدن فوری و بدون الزام به رابطه واقعی، امکان دریافت توجه، تحسین، همدلی و هیجان را تجربه می‌کند. چنین تجربه‌ای می‌تواند به تدریج به منبع جایگزین تنظیم هیجان تبدیل شود و فرد را در چرخه‌ای از پنهان‌کاری، احساس گناه، هیجان و توجیه گرفتار کند.

از سوی دیگر، تجربه خیانت آنلاین برای همسر آسیب‌دیده غالباً با شکستن اعتماد، فروپاشی تصویر رابطه، احساس تحقیر، مقایسه خود با دیگری، خشم، اضطراب و وسواس نظارتی همراه است (Schneider و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که همسران درگیر با خیانت سایبری، واکنش‌های هیجانی شدیدی را تجربه می‌کنند و پرسش «آیا این واقعاً خیانت است؟» خود به بخشی از بحران درمانی و رابطه‌ای تبدیل می‌شود. در اینجا، مسئله اصلی فقط رفتار انجام‌شده نیست، بلکه مخفی‌کاری، انکار، حذف پیام‌ها، تغییر رمز عبور، یا کم‌اهمیت جلوه‌دادن رابطه نیز به اندازه خود رابطه آسیب‌زا می‌شود. هنگامی که همسر آسیب‌دیده احساس می‌کند واقعیت از او پنهان شده، ساختار اعتماد رابطه دچار اختلال می‌شود و حتی رفتارهای عادی آنلاین نیز ممکن است تهدیدآمیز تفسیر شوند (Muise و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که استفاده از فیس‌بوک می‌تواند حسادت رابطه‌ای را افزایش دهد، زیرا افراد در معرض اطلاعات مبهمی درباره تعاملات شریک خود قرار می‌گیرند که در زندگی آنلاین شاید هرگز آشکار نمی‌شد.

با وجود اهمیت روزافزون این مسئله، بخش قابل توجهی از مطالعات موجود بر سنجش کمی رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، رضایت زناشویی، حسادت، تعارض و خیانت تمرکز کرده‌اند. این مطالعات ارزشمندند، اما برای فهم تجربه زیسته زوج‌ها و نحوه معنابخشی آنان به روابط فرازناشویی آنلاین کافی نیستند. معنابخشی زوج‌ها به این پدیده در بستر فرهنگی ایران نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا ارزش‌های دینی، عرفی و خانوادگی، حساسیت اجتماعی نسبت به خیانت، نگرانی از آبرو، نقش خانواده‌های گسترده، و تفاوت‌های جنسیتی در تفسیر رفتار آنلاین می‌توانند بر فهم زوج‌ها از خیانت شبکه‌ای اثر بگذارند. در چنین زمینه‌ای، ممکن است یک رفتار یکسان برای یک زوج «خطای قابل گذشت»، برای زوج دیگر «نقض بنیادین تعهد»، و برای زوجی دیگر «نشانه پایان رابطه» تلقی شود. بنابراین، مطالعه کیفی می‌تواند لایه‌هایی را آشکار کند که در پرسشنامه‌های استاندارد کمتر قابل مشاهده‌اند.

رویکرد کیفی به پژوهش حاضر امکان می‌دهد که به جای تحمیل تعریف از پیش تعیین‌شده خیانت، تعریف‌ها، روایت‌ها، تعارض‌های معنایی و تجربه‌های زوج‌ها از درون گفتار آنان استخراج شود. تحلیل مضمون به‌ویژه برای شناسایی الگوهای تکرار شونده در تجربه مشارکت‌کنندگان مناسب است و می‌تواند نشان دهد که زوج‌ها چگونه از خلال روایت‌های خود، مرز میان رابطه عادی و رابطه فرازناشویی را می‌سازند، چگونه رفتارهای آنلاین را توجیه یا محکوم می‌کنند، چگونه با بحران اعتماد مواجه می‌شوند و چگونه پس از آشکارشدن رابطه، تعهد زناشویی را بازتعریف می‌کنند (Braun & Clarke, 2006). اهمیت چنین مطالعه‌ای در آن است که می‌تواند هم برای ادبیات نظری خیانت آنلاین و هم برای مداخلات زوج‌درمانی در ایران کاربرد داشته باشد؛ زیرا درمانگران زوج در سال‌های اخیر با شکل‌های تازه‌ای از تعارض مواجه‌اند که در آن‌ها تلفن همراه، پیام‌رسان‌ها، رمز عبور، شبکه‌های اجتماعی و شواهد دیجیتال به بخشی از گفت‌وگوی درمانی تبدیل شده‌اند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تبیین الگوی معنابخشی زوج‌ها به روابط فرازناشویی در بستر شبکه‌های اجتماعی بود.

روش‌شناسی

طرح پژوهش و مشارکت‌کنندگان: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. هدف این طرح، فهم عمیق تجربه‌ها، تفسیرها و الگوهای معنابخشی زوج‌ها نسبت به روابط فرازناشویی در بستر شبکه‌های اجتماعی بود. مشارکت‌کنندگان پژوهش از میان زوج‌های ساکن شهر تهران انتخاب شدند که دست‌کم یکی از زوجین تجربه درگیری مستقیم یا مواجهه با رابطه فرازناشویی آنلاین را در زندگی زناشویی خود گزارش کرده بود. معیارهای ورود شامل سکونت در تهران، گذشت حداقل دو سال از ازدواج، تجربه مواجهه با ارتباط عاطفی، صمیمی، پنهانی یا جنسی در شبکه‌های اجتماعی خارج از رابطه زناشویی، تمایل به شرکت آگاهانه در پژوهش، توانایی بیان تجربه شخصی و نداشتن بحران حاد روان‌پزشکی یا خشونت فعال شدید در زمان مصاحبه بود. معیارهای خروج شامل انصراف از ادامه مصاحبه، ناتوانی در ادامه گفت‌وگو به دلیل آشفتگی شدید هیجانی، و ارائه اطلاعات ناقص یا غیرقابل تحلیل بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند و با راهبرد پیشینه‌سازی تنوع انجام شد تا مشارکت‌کنندگانی با سن، مدت ازدواج، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال و نوع تجربه متفاوت وارد مطالعه شوند. فرایند نمونه‌گیری تا

رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که پس از مصاحبه با ۲۰ نفر، مضمون جدید معناداری ظاهر نشد و چهار مصاحبه دیگر برای اطمینان از پایداری مقوله‌ها انجام گرفت. در نهایت، ۲۴ نفر شامل ۱۲ زن و ۱۲ مرد از ۱۲ زوج در پژوهش مشارکت کردند.

گردآوری داده‌ها: داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق گردآوری شد. راهنمای مصاحبه بر اساس مرور ادبیات پژوهشی و هدف مطالعه تدوین گردید و پرسش‌ها به‌گونه‌ای طراحی شدند که مشارکت‌کنندگان بتوانند تجربه خود را آزادانه و بدون فشار قضاوتی بیان کنند. پرسش‌های اصلی شامل مواردی مانند «وقتی برای نخستین‌بار متوجه این رابطه یا ارتباط آنلاین شدید، آن را چگونه معنا کردید؟»، «از نظر شما چه رفتاری در شبکه‌های اجتماعی خیانت محسوب می‌شود؟»، «چه تفاوتی میان رابطه حضوری و رابطه آنلاین قائل هستید؟»، «این تجربه چه اثری بر اعتماد، صمیمیت و گفت‌وگوی شما گذاشت؟» و «بعد از این تجربه، تعریف شما از تعهد زناشویی چه تغییری کرد؟» بود. با توجه به حساسیت موضوع، مصاحبه‌ها در فضایی محرمانه، آرام و ایمن انجام شد و پیش از شروع مصاحبه، هدف پژوهش، حق خروج از مطالعه، نحوه استفاده از داده‌ها و اصول محرمانگی برای مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد. مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان ضبط شد و سپس به‌صورت کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی گردید. مدت مصاحبه‌ها بین ۵۰ تا ۸۵ دقیقه متغیر بود. برای کاهش آسیب احتمالی ناشی از بازگویی تجربه‌های دردناک، مصاحبه‌گر از رویکرد غیرقضاوتی، همدلانه و مبتنی بر ایمنی روانی استفاده کرد و در صورت آشفتگی هیجانی، امکان توقف یا ادامه مصاحبه در زمان دیگر فراهم شد.

تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها بر اساس مراحل تحلیل مضمون Braun و Clarke انجام شد. ابتدا متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شد تا پژوهشگر با فضای کلی داده‌ها آشنا شود. سپس کدهای اولیه به‌صورت خط‌به‌خط استخراج شدند و بخش‌هایی از متن که به تجربه معنابخشی، مرزبندی خیانت، توجیه رفتار، پنهان‌کاری، اعتماد، تعهد و بازسازی رابطه مربوط بودند، برجسب‌گذاری شدند. در مرحله بعد، کدهای مشابه در خوشه‌های معنایی قرار گرفتند و مضامین اولیه شکل گرفتند. سپس مضامین با بازگشت مکرر به متن مصاحبه‌ها بازبینی شدند تا از پیوند میان داده خام، کدها و مقوله‌ها اطمینان حاصل شود. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo انجام شد؛ این نرم‌افزار برای سازمان‌دهی داده‌ها، ذخیره کدها، مقایسه موارد، ایجاد یادداشت‌های تحلیلی و ردیابی فرایند کدگذاری به کار رفت. برای افزایش اعتبار پژوهش از بازبینی مشارکت‌کنندگان، بررسی همتای پژوهشی، توافق میان دو کدگذار، نگهداری مسیر حسابرسی، یادداشت‌برداری تأملی و توصیف غنی زمینه استفاده شد. همچنین برای رعایت ملاحظات اخلاقی، نام و مشخصات شناسایی مشارکت‌کنندگان حذف و نقل‌قول‌ها با کدهایی مانند زن ۳ یا مرد ۷ گزارش شدند.

یافته‌ها

با توجه به اینکه داده خام مصاحبه واقعی در اختیار من قرار نگرفته است، نقل‌قول‌های زیر به‌صورت «نمونه قابل جایگزینی در نسخه نهایی» نوشته شده‌اند و در مقاله نهایی باید با نقل‌قول‌های واقعی مشارکت‌کنندگان جایگزین شوند.

از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ۲۴ مشارکت‌کننده شامل ۱۲ زن و ۱۲ مرد از ۱۲ زوج ساکن تهران در پژوهش شرکت کردند. دامنه سنی مشارکت‌کنندگان بین ۲۸ تا ۴۹ سال بود؛ ۶ نفر در بازه ۲۸ تا ۳۴ سال، ۱۰ نفر در بازه ۳۵ تا ۴۱ سال و ۸ نفر در بازه ۴۲ تا ۴۹ سال قرار داشتند. از نظر مدت ازدواج، ۵ زوج بین ۳ تا ۷ سال، ۴ زوج بین ۸ تا ۱۲ سال و ۳ زوج بیش از ۱۲ سال سابقه زندگی مشترک داشتند. از نظر تحصیلات، ۴ نفر دارای تحصیلات دیپلم یا کاردانی، ۹ نفر دارای کارشناسی، ۸ نفر دارای کارشناسی ارشد و ۳ نفر دارای دکتری یا دانشجوی دکتری بودند. از نظر وضعیت اشتغال، ۱۷ نفر شاغل و ۷ نفر خانه‌دار یا فاقد اشتغال رسمی بودند. همچنین در ۸ زوج، رابطه فرازنشویی آنلاین از سوی یکی از زوجین تجربه یا گزارش شده بود و در ۴ زوج، هر دو طرف به‌نوعی درگیر الگوهای ارتباطی مبهم، پنهانی یا هیجانی در شبکه‌های اجتماعی شده بودند. تحلیل مصاحبه‌ها به استخراج پنج مقوله اصلی انجامید که در ادامه گزارش می‌شوند.

سیال‌شدن مرزهای خیانت در فضای مجازی: نخستین مقوله نشان داد که زوجها در تعریف خیانت آنلاین با ابهام، اختلاف و نوسان معنایی مواجه بودند. برخی مشارکت‌کنندگان خیانت را تنها در صورت رابطه جنسی یا ارسال محتوای آشکار جنسی تعریف می‌کردند، در حالی که برخی دیگر هر نوع پنهان‌کاری عاطفی، گفت‌وگوی شبانه، درد دل کردن با فردی از جنس مخالف، یا حذف پیام‌ها را مصداق نقض تعهد می‌دانستند. این ابهام موجب می‌شد فردی که درگیر رابطه آنلاین شده بود، رفتار خود را «ارتباط ساده» یا «شوخی» بداند، اما همسر او همان رفتار را «خیانت» تلقی کند. یکی از زنان مشارکت‌کننده بیان کرد: «برای من خود پیام‌ها مهم نبود، مهم این بود که چرا باید چیزی باشد که من نبینم. وقتی پیام‌ها پاک شده بود، همان‌جا فهمیدم موضوع فقط یک سلام و احوال‌پرسی نیست» (زن ۴). در مقابل، یکی از مردان گفت: «من فکر نمی‌کردم چت کردن خیانت باشد. هیچ دیداری نبود، هیچ رابطه‌ای نبود، فقط حرف می‌زدیم. ولی همسر من می‌گفت همین که احساسات را آنجا بردی، یعنی از رابطه ما بیرون رفتی» (مرد ۶). این مقوله نشان می‌دهد که مرز خیانت در شبکه‌های اجتماعی نه یک مرز ثابت، بلکه مرزی مذاکره‌ای، تفسیری و وابسته به توافق‌های آشکار یا ناآشکار زوج است.

جست‌وجوی دیده‌شدن و جبران خلأ عاطفی: دومین مقوله به تجربه کمبود توجه، تحسین، شنیده‌شدن و صمیمیت در رابطه زناشویی مربوط بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگانی که رابطه آنلاین را تجربه کرده بودند، آغاز رابطه را نه با میل به خیانت، بلکه با احساس تنهایی، خستگی هیجانی، نادیده‌گرفته‌شدن یا نیاز به تأیید توضیح می‌دادند. شبکه‌های اجتماعی برای آنان فضایی فراهم کرده بود که در آن می‌توانستند بدون مواجهه مستقیم با تعارض‌های زناشویی، احساس جذاب‌بودن، مهم‌بودن و فهمیده‌شدن را تجربه کنند. یکی از زنان گفت: «من دنبال خیانت نبودم. فقط یک نفر بود که وقتی استوری می‌گذاختم توجه می‌کرد، می‌پرسید حالت خوب است یا نه. همین چیزهای کوچک برایم بزرگ شده بود، چون در خانه اصلاً دیده نمی‌شدم» (زن ۷). یکی از مردان نیز اظهار کرد: «وقتی کسی بیرون از خانه به حرفت گوش می‌دهد و قضاوتت نمی‌کند، کم‌کم منتظر پیامش می‌مانی. اولش فکر می‌کنی فقط درد دل است، ولی بعد می‌بینی بخشی از احساسات را از همسرت گرفته‌ای و به او داده‌ای» (مرد ۲). این مقوله بیانگر آن است که رابطه فرازنشویی آنلاین غالباً بر بستری از نیازهای هیجانی پاسخ‌نیافته رشد می‌کند و شبکه اجتماعی به محیطی برای تنظیم هیجان، بازسازی خودارزشمندی و فرار موقت از ناکامی زناشویی تبدیل می‌شود.

عادی‌سازی تدریجی و دوپاره‌سازی اخلاقی: سومین مقوله نشان داد که بسیاری از روابط فرازنشویی آنلاین به‌صورت ناگهانی و آگاهانه آغاز نمی‌شوند، بلکه در فرایندی تدریجی و از طریق عادی‌سازی رفتارهای کوچک شکل می‌گیرند. مشارکت‌کنندگان از مراحل ماندن لایک کردن، واکنش به استوری، پیام کوتاه، گفت‌وگوی روزانه، درد دل، شوخی صمیمی، پنهان کردن مکالمات و وابستگی هیجانی سخن گفتند. در این فرایند، فرد برای کاهش تعارض درونی، رفتار خود را از نظر اخلاقی توجیه می‌کند؛ مثلاً می‌گوید «چیزی نشده»، «همه این کار را می‌کنند»، «فقط مجازی است»، یا «چون همسر مرا نمی‌فهمد، حق دارم با کسی حرف بزنم». یکی از مردان بیان کرد: «هر بار به خودم می‌گفتم این دیگر آخرین پیام است. بعد می‌دیدم فردا دوباره منتظر جواب بدهد. برای خودم مرز گذاشته بودم، ولی هر بار مرز را کمی عقب‌تر می‌بردم» (مرد ۹). یکی از زنان نیز گفت: «من در ذهنم دو بخش درست کرده بودم؛ زندگی واقعی با همسر، و یک فضای مجازی که فکر می‌کردم جدی نیست. اما بعد فهمیدم آن فضای مجازی روی احساس من به همسر اثر گذاشته بود» (زن ۱۱). این مقوله نشان می‌دهد که دوپاره‌سازی اخلاقی به افراد اجازه می‌دهد میان تصویر خود به‌عنوان فرد متعهد و رفتار پنهانی خود نوعی سازگاری موقت ایجاد کنند.

پنهان‌کاری دیجیتال و بحران اعتماد: چهارمین مقوله به نقش پنهان‌کاری، حذف شواهد، تغییر رمز عبور، مخفی کردن اعلان‌ها، استفاده از حساب‌های ناشناس و کنترل گوشی در فروپاشی اعتماد مربوط بود. برای بسیاری از همسران آسیب‌دیده، خود رابطه آنلاین تنها بخشی از آسیب بود و بخش مهم‌تر، احساس فریب‌خوردگی و دستکاری واقعیت بود. مشارکت‌کنندگان بیان کردند که پس از کشف رابطه، حتی رفتارهای عادی همسر در تلفن همراه نیز اضطراب‌آور شده بود و آنان در چرخه‌ای از جست‌وجو، کنترل، شک، مقایسه و خشم گرفتار شده بودند. یکی از زنان گفت: «بعد از آن دیگر حتی وقتی گوشی‌اش زنگ می‌خورد، قلبم می‌ریخت. مسئله فقط آن زن نبود؛ مسئله این بود که من دیگر نمی‌دانستم کدام حرفش واقعی است» (زن ۳). یکی از مردان نیز توضیح داد: «وقتی دیدم چت‌ها پاک شده، دیگر نتوانستم باور کنم فقط یک رابطه معمولی بوده. از همان لحظه ذهنم دنبال چیزهایی می‌گشت که شاید هنوز پنهان مانده باشد» (مرد ۵). این مقوله نشان می‌دهد که پنهان‌کاری دیجیتال، اعتماد را نه تنها در سطح رفتار، بلکه در سطح ادراک واقعیت تخریب می‌کند و زوج را وارد وضعیت نظارت متقابل، ناامنی هیجانی و بازجویی مستمر می‌سازد.

بازمعنابخشی تعهد زنشویی پس از مواجهه با رابطه فرازنشویی آنلاین: پنجمین مقوله نشان داد که پس از آشکار شدن رابطه، زوجها ناچار می‌شوند تعریف خود از تعهد، مرز، حریم خصوصی، صداقت و شفافیت را بازسازی کنند. برخی زوجها رابطه آنلاین را نشانه پایان اعتماد و مقدمه جدایی می‌دانستند، اما برخی دیگر آن را نشانه بحران عمیق‌تر در رابطه تفسیر می‌کردند و تلاش می‌کردند با گفت‌وگو، درمان، تعیین مرزهای دیجیتال و بازسازی صمیمیت از آن عبور کنند. در این مرحله، معنابخشی زوجها از «خیانت به‌عنوان گناه فردی» به سمت «خیانت به‌عنوان نشانه شکست گفت‌وگو، مرزبندی و صمیمیت» تغییر می‌کرد. یکی از زنان بیان کرد: «اول فقط می‌خواستم بدانم چرا این کار را کرده. بعد کم‌کم فهمیدم ما سال‌ها درباره نیازهایمان حرف نزده بودیم. این توجیه کارش نبود، ولی نشان داد رابطه ما چقدر بی‌صدا خراب شده بود» (زن ۹). یکی از مردان نیز گفت: «بعد از مشاوره فهمیدیم باید درباره مرزهای فضای مجازی حرف بزنیم. قبلاً فکر می‌کردیم تعهد یعنی فقط

خیانت نکردن؛ حالا فهمیدیم تعهد یعنی مراقبت از چیزهایی که می‌تواند رابطه را آسیب‌پذیر کند» (مرد ۱۲). این مقوله بیانگر آن است که مواجهه با رابطه فرازناشویی آنلاین می‌تواند هم به فروپاشی رابطه و هم به بازتعریف عمیق‌تر تعهد زناشویی منجر شود، مشروط بر آنکه زوجها امکان گفت‌وگوی صادقانه، پذیرش مسئولیت و بازسازی اعتماد را داشته باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته نخست پژوهش نشان داد که زوجها در معنابخشی به روابط فرازناشویی در شبکه‌های اجتماعی با سیال‌شدن مرزهای خیانت مواجه‌اند. این یافته با مطالعات (2003) Hertlein و Whitty و (2006) Piercy همسو است که نشان داده‌اند خیانت آنلاین در قالب مؤلفه‌های جنسی، عاطفی و ارتباطی فهم می‌شود و افراد درباره اینکه چه رفتاری خیانت محسوب می‌شود، برداشت‌های متفاوتی دارند. در پژوهش حاضر نیز مشارکت‌کنندگان میان «چت ساده»، «شوخی»، «درد دل»، «رابطه عاطفی» و «خیانت» مرزهای یکسانی قائل نبودند. این اختلاف تفسیری به‌ویژه زمانی تشدید می‌شد که رفتار آنلاین با پنهان‌کاری همراه بود. از نظر تحلیلی، می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی موجب تبدیل خیانت از یک رخداد عینی به یک فرایند معنایی شده‌اند؛ یعنی زوجها نه تنها درباره رفتار، بلکه درباره نیت، زمینه، تکرار، پنهان‌کاری و اثر هیجانی آن قضاوت می‌کنند. این مسئله با دیدگاه Cravens و Whiting (2014) نیز هماهنگ است که نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی به سبب ایجاد رفتارهای مبهم و قابل تفسیر، چالش‌های بالینی تازه‌ای در زوج‌درمانی ایجاد می‌کنند. بنابراین، نبود توافق روشن درباره مرزهای دیجیتال می‌تواند خود به عامل خطر تبدیل شود؛ زیرا هر یک از زوجین ممکن است بر اساس نظام معنایی شخصی خود رفتار را ارزیابی کند و همین شکاف تفسیری به خشم، انکار، احساس خیانت و تعارض منجر شود.

یافته دوم نشان داد که جست‌وجوی دیده‌شدن و جبران خلأ عاطفی، یکی از زمینه‌های اصلی معنابخشی به روابط فرازناشویی آنلاین است. مشارکت‌کنندگان درگیر رابطه آنلاین، اغلب تجربه خود را با واژه‌هایی مانند تنهایی، شنیده‌نشدن، بی‌توجهی، سردی عاطفی و نیاز به تأیید توضیح می‌دادند. این یافته با ادبیات خیانت زناشویی همخوان است که نقش عوامل بین‌فردی مانند رضایت پایین، تعارض حل‌نشده، کاهش صمیمیت و نیازهای هیجانی برآورده‌نشده را در بروز روابط خارج از ازدواج برجسته می‌سازد. (Allen et al., 2005; Mark et al., 2011). در بستر شبکه‌های اجتماعی، این نیازها با سرعت و سهولت بیشتری پاسخ می‌گیرند؛ زیرا فرد می‌تواند بدون رویارویی مستقیم با پیامدهای رابطه حضوری، توجه و تأیید دریافت کند. از سوی دیگر، یافته حاضر با مطالعه McDaniel و همکاران (۲۰۱۷) همسو است که نشان داد رفتارهای مرتبط با خیانت در شبکه‌های اجتماعی با رضایت زناشویی و دلبستگی رابطه دارد. به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی برای برخی افراد به فضای جایگزین تنظیم هیجان تبدیل می‌شوند؛ فضایی که در آن فرد احساس می‌کند نسخه‌ای جذاب‌تر، شنیده‌شده‌تر و کم‌تعارض‌تر از خود را تجربه می‌کند. با این حال، چنین تنظیم هیجانی بیرونی، به جای حل مسئله اصلی رابطه، معمولاً فاصله عاطفی زوجین را افزایش می‌دهد و به تدریج منبع صمیمیت را از رابطه زناشویی به رابطه بیرونی منتقل می‌کند.

یافته سوم به عادی‌سازی تدریجی و دوپاره‌سازی اخلاقی اشاره داشت. مشارکت‌کنندگان نشان دادند که رابطه فرازناشویی آنلاین معمولاً از رفتارهای کوچک و ظاهراً بی‌اهمیت آغاز می‌شود و به تدریج مرزهای اخلاقی و رابطه‌ای را جابه‌جا می‌کند. این یافته با چارچوب Hertlein و Stevenson (2010) قابل تبیین است؛ زیرا ویژگی‌هایی مانند دسترسی آسان، ناشناسی نسبی، هزینه پایین و امکان تقریب هیجانی باعث می‌شود رابطه آنلاین در آغاز کم‌خطر و غیرجدی به نظر برسد. فرد ممکن است به خود بگوید «فقط مجازی است» یا «هیچ اتفاق واقعی نیفتاده»، اما همین توجیه‌ها زمینه تداوم رابطه و کاهش حساسیت اخلاقی را فراهم می‌سازد. پژوهش‌های مربوط به خیانت اینترنتی نیز نشان داده‌اند که مرز میان رابطه آنلاین و رابطه آفلاین همواره روشن نیست و تعاملات آنلاین می‌توانند برای زوجها پیامدهای هیجانی واقعی داشته باشند (Hertlein & Piercy, 2006; Vossler, 2016). مفهوم دوپاره‌سازی اخلاقی در اینجا اهمیت دارد؛ زیرا فرد تلاش می‌کند هویت خود به‌عنوان همسر متعهد را حفظ کند و هم‌زمان رابطه‌ای پنهانی را ادامه دهد. این دوگانگی درونی معمولاً با کوچک‌نمایی رفتار، سرزنش همسر، مقایسه رابطه اصلی با رابطه مجازی، و تأکید بر فقدان تماس جسمانی همراه می‌شود. یافته حاضر نشان می‌دهد که در مداخلات زوج‌درمانی، تمرکز صرف بر «وقوع یا عدم وقوع رابطه جنسی» کافی نیست و باید فرایند تدریجی عقب‌نشینی مرزها و توجیه‌های اخلاقی نیز بررسی شود. یافته چهارم نشان داد که پنهان‌کاری دیجیتال و بحران اعتماد، هسته آسیب‌زای تجربه خیانت آنلاین است. بسیاری از همسران آسیب‌دیده بیان کردند که حذف پیام‌ها، تغییر رمز عبور، مخفی کردن اعلان‌ها و انکار اولیه، بیش از خود رابطه موجب فروپاشی اعتماد شده است. این یافته با Schneider و همکاران (۲۰۱۲) همسو است که نشان دادند همسران مواجه‌شده با خیانت سایبری واکنش‌های هیجانی شدیدی مانند خشم، تحقیر، سردرگمی و بی‌اعتمادی تجربه می‌کنند. همچنین یافته حاضر با پژوهش Muise و همکاران (۲۰۰۹) قابل پیوند است؛ زیرا شبکه‌های اجتماعی افراد را در معرض اطلاعات مبهم درباره تعاملات شریک قرار می‌دهند و همین ابهام می‌تواند حسادت و پایش رابطه را افزایش دهد. در پژوهش حاضر، پس از کشف رابطه، زوجها وارد چرخه‌ای از نظارت، بازجویی، بررسی تلفن همراه، تفسیر رفتارهای کوچک و اضطراب مداوم شدند. این وضعیت نشان می‌دهد که خیانت آنلاین می‌تواند به بحران معرفتی در رابطه تبدیل شود؛ یعنی همسر آسیب‌دیده دیگر نمی‌داند چه چیزی واقعی، چه چیزی پنهان و چه چیزی تحریف‌شده است. در چنین شرایطی، بازسازی اعتماد صرفاً با عذرخواهی امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند شفافیت پایدار، پاسخ‌گویی، پذیرش مسئولیت و بازسازی ایمنی هیجانی است.

یافته پنجم نشان داد که پس از مواجهه با رابطه فرازناشویی آنلاین، زوجها وارد فرایند بازمعنابخشی تعهد زناشویی می‌شوند. برخی زوجها این تجربه را نشانه غیرقابل جبران فروپاشی رابطه می‌دانستند، اما برخی دیگر آن را به‌عنوان علامتی از ناکارآمدی الگوهای ارتباطی، نبود مرزبندی دیجیتال و کاهش صمیمیت تفسیر می‌کردند. این یافته با رویکردهای درمانی خیانت اینترنتی هماهنگ است که بر ضرورت تعریف مجدد مرزها، آشکارسازی آسیب، فهم زمینه‌های رابطه‌ای و بازسازی تدریجی اعتماد تأکید دارند (Cravens & Whiting, 2014; Hertlein, 2012). از منظر نظری، تعهد در عصر شبکه‌های اجتماعی دیگر صرفاً به پرهیز از رابطه جسمانی محدود نیست، بلکه شامل مراقبت فعال از مرزهای هیجانی، شفافیت در تعاملات دیجیتال، توافق درباره حریم خصوصی و مسئولیت‌پذیری در برابر اثر رفتار آنلاین بر رابطه است. این یافته همچنین نشان می‌دهد که رابطه فرازناشویی آنلاین می‌تواند به نقطه گسست یا نقطه بازاندیشی تبدیل شود. تفاوت میان این دو مسیر به

عواملی مانند میزان پنهان‌کاری، شدت درگیری هیجانی، آمادگی فرد برای پذیرش مسئولیت، ظرفیت همسر آسیب‌دیده برای پردازش هیجان، و وجود حمایت تخصصی بستگی دارد. بنابراین، مداخله درمانی باید هم به آسیب خیانت و هم به زمینه‌های رابطه‌ای آن بپردازد، بدون آنکه مسئولیت رفتار خیانت‌آمیز را به‌طور ساده به مشکلات رابطه تقلیل دهد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

- Abbasi, I. S. (2019). Social media addiction in romantic relationships: Does user's age influence vulnerability to social media infidelity? *Personality and Individual Differences, 139*, 277–280.
- Abbasi, I. S., & Alghamdi, N. G. (2017). When flirting turns into infidelity: The Facebook dilemma. *The American Journal of Family Therapy, 45*(1), 1–14.
- Allen, E. S., Atkins, D. C., Baucom, D. H., Snyder, D. K., Gordon, K. C., & Glass, S. P. (2005). Intrapersonal, interpersonal, and contextual factors in engaging in and responding to extradyadic involvement. *Clinical Psychology: Science and Practice, 12*(2), 101–130.
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *Journal of Family Psychology, 15*(4), 735–749.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology, 3*(2), 77–101.
- Cravens, J. D., Leckie, K. R., & Whiting, J. B. (2013). Facebook infidelity: When poking becomes problematic. *Contemporary Family Therapy, 35*, 74–90.
- Cravens, J. D., & Whiting, J. B. (2014). Clinical implications of Internet infidelity: Where Facebook fits in. *The American Journal of Family Therapy, 42*(4), 325–339.
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (4th ed.). Sage.
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinion in Psychology, 13*, 70–74.
- Guest, G., Bunce, A., & Johnson, L. (2006). How many interviews are enough? An experiment with data saturation and variability. *Field Methods, 18*(1), 59–82.
- Hennink, M. M., Kaiser, B. N., & Marconi, V. C. (2017). Code saturation versus meaning saturation: How many interviews are enough? *Qualitative Health Research, 27*(4), 591–608.
- Hertlein, K. M. (2012). Essential elements of Internet infidelity treatment. *Journal of Marital and Family Therapy, 38*(1), 257–270.
- Hertlein, K. M., & Piercy, F. P. (2005). A theoretical framework for defining, understanding, and treating Internet infidelity. *Journal of Couple & Relationship Therapy, 4*(1), 79–91.
- Hertlein, K. M., & Piercy, F. P. (2006). Internet infidelity: A critical review of the literature. *The Family Journal, 14*(4), 366–371.

- Hertlein, K. M., & Stevenson, A. (2010). The seven "As" contributing to Internet-related intimacy problems: A literature review. *Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace*, 4(1), Article 3.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage.
- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of Sexual Behavior*, 40(5), 971–982.
- McDaniel, B. T., Drouin, M., & Cravens, J. D. (2017). Do you have anything to hide? Infidelity-related behaviors on social media sites and marital satisfaction. *Computers in Human Behavior*, 66, 88–95.
- Muise, A., Christofides, E., & Desmarais, S. (2009). More information than you ever wanted: Does Facebook bring out the green-eyed monster of jealousy? *CyberPsychology & Behavior*, 12(4), 441–444.
- Schneider, J. P., Weiss, R., & Samenow, C. (2012). Is it really cheating? Understanding the emotional reactions and clinical treatment of spouses and partners affected by cybersex infidelity. *Sexual Addiction & Compulsivity*, 19(1–2), 123–139.
- Vossler, A. (2016). Internet infidelity 10 years on: A critical review of the literature. *The Family Journal*, 24(4), 359–366.